

به نام خدا

جادوی کلاس درس؛ درگیر کردن موثر یادگیرندگان جوان

مؤلف :

مریم مهدی زاده

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: مهدی زاده، مریم، ۱۳۶۲-

عنوان و نام پدیدآور: جادوی کلاس درس؛ درگیر کردن موثر یادگیرندگان جوان / مولف مریم مهدی زاده.

مشخصات نشر: ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۱۲۱ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۸۵۲-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص ۹۹-۱۲۱.

موضوع: یادگیری موثر

رده بندی کنگره: RJ۵۵۵

رده بندی دیویی: ۶۱۸/۹۳۳۸

شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۷۶۹۷۶

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: جادوی کلاس درس؛ درگیر کردن موثر یادگیرندگان جوان

مولف: مریم مهدی زاده

ناشر: ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

چاپ: زیرجد

قیمت: ۱۱۰۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۸۵۲-۰

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



Chaponashr.ir

فهرست مطالب

۵	بخش اول
۵	ایجاد فضاهای آموزشی دلربا
۶	طراحی کلاس هایی که تخیل را بر می انگیزد
۸	نقش رنگ و دکور در یک محیط جادویی
۹	ترکیب مناطق یادگیری تعاملی
۱۱	شخصی سازی فضاها برای هر یادگیرنده جوان
۱۴	پرورش حس شگفتی از طریق راه اندازی کلاس درس
۱۷	جادوی کتابخانه های کلاس درس و گوشه های خواندن
۱۹	تقویت همکاری از طریق طراحی فضایی متفکرانه
۲۱	تبدیل فضاهای معمولی به مکان های خارق العاده
۲۵	بخش دوم
۲۵	برنامه ریزی درس جذاب
۲۶	ساختن درس به عنوان ماجراجویی در یادگیری
۲۸	بافتن داستان ها در روایت های آموزشی
۳۰	القای بازیگوشی در اهداف آکادمیک
۳۳	ادغام هنر و خلاقیت در برنامه های درسی
۳۵	کاوش در طبیعت و ماجراهای یادگیری در فضای باز
۳۷	جادوی علوم تجربی و اکتشاف
۴۰	موسیقی، حرکت، و لذت یادگیری حرکتی
۴۲	ساختار متوازن و انعطاف پذیری برای دروس جذاب
۴۶	بخش سوم
۴۶	هنر داستان سرایی
۴۷	داستان سرایی به عنوان دروازه ای برای تخیل
۴۹	ساخت کتابخانه قصه های جادویی
۵۱	قدرت داستان سرایی شخصی
۵۳	داستان سرایی در سراسر موضوعات: ریاضی، علوم، و بیشتر
۵۶	تکنیک های داستان سرایی تعاملی برای تعامل
۵۸	استفاده از فناوری برای تقویت جادوی داستان سرایی
۶۱	توانمندسازی یادگیرندگان جوان برای تبدیل شدن به داستان سرا
۶۴	رویدادهای داستان سرایی: زنده کردن داستان ها در کلاس درس
۶۷	بخش چهارم

۶۷ فناوری آموزشی دلربا.....
۶۸ یکپارچه سازی فناوری برای یادگیری تعاملی.....
۷۰ برنامه ها و بازی های آموزشی برای ذهن جوان.....
۷۲ سفرهای میدانی و اکتشاف مجازی.....
۷۴ واقعیت افزوده در کلاس درس.....
۷۷ جادوی کدنویسی برای یادگیرندگان جوان.....
۸۰ متعادل کردن زمان نمایشگر با فعالیت های عملی.....
۸۲ داستان سرایی دیجیتال: خلق داستان های چند رسانه ای.....
۸۴ پرورش شهروندی دیجیتال در قلمرو دیجیتال جادویی.....
۸۷ بخش پنجم.....
۸۷ ایجاد ارتباطات قوی معلم و دانش آموز.....
۸۸ قلب آموزش: ایجاد روابط.....
۹۰ ایجاد یک جامعه کلاس درس گرم و حمایتی.....
۹۲ جادوی توجه فردی.....
۹۴ پرورش ذهنیت رشد در یادگیرندگان جوان.....
۹۹ منابع و مآخذ.....

بخش اول

ایجاد فضاهای آموزشی دلربا

طراحی کلاس‌هایی که تخیل را بر می‌انگیزد

ایجاد یک فضای یادگیری مسحور کننده یک جنبه حیاتی برای تقویت تعامل موثر در بین یادگیرندگان جوان است. طراحی کلاس‌های درس نقشی اساسی در شکل دادن به تجربه کلی یادگیری و برانگیختن تخیل دانش‌آموزان دارد. این بخش به بررسی عناصر و ملاحظات مختلفی در طراحی کلاس‌های درس می‌پردازد که فراتر از قابلیت‌های صرف است و هدف آن پرورش فضایی است که خلاقیت و کنجکاوی را القا می‌کند.

چیدمان فیزیکی کلاس یکی از جنبه‌های اساسی طراحی آن است. تحقیقات حقانی و زمانی (۲۰۱۸) اهمیت چیدمان میز و مبلمان را به گونه‌ای برجسته می‌کند که تعامل و همکاری بین دانش‌آموزان را تشویق کند. یک چیدمان سنجیده می‌تواند فعالیت‌های گروهی، بحث‌ها و یادگیری همتا به همتا را تسهیل کند. علاوه بر این، ترکیب صندلی‌های انعطاف‌پذیر، مانند گوشه‌های مطالعه راحت یا فضاهای کاری جایگزین، می‌تواند به محیطی پویا و جذاب کمک کند (حقانی و زمانی، ۲۰۱۸، ص ۴۲).

استفاده از رنگ‌ها در طراحی کلاس درس به عنوان ابزاری قدرتمند برای تأثیرگذاری بر خلق و خو و رفتار شناخته شده است. در بافت ایران، جایی که ترجیحات فرهنگی و درک رنگ‌ها ممکن است متفاوت باشد، توجه به زیبایی‌شناسی محلی ضروری است. طبق مطالعه میرشکاریان، وزیری و قاسمی (۲۰۲۰)، رنگ‌های گرم مانند نارنجی و زرد با انرژی و اشتیاق همراه هستند، در حالی که رنگ‌های سرد مانند آبی و سبز آرامش و تمرکز را تداعی می‌کنند. ادغام رنگ‌های دارای طنین فرهنگی در طراحی کلاس درس می‌تواند تجربه کلی یادگیری را برای دانش‌آموزان جوان ایرانی افزایش دهد (میرشکاریان و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۱۲۶).

ادغام فن‌آوری در طراحی کلاس درس به طور فزاینده‌ای مورد توجه در چشم‌انداز آموزشی مدرن است.، جایی که پیشرفت‌های فناوری به سرعت در حال شکل دادن به محیط یادگیری است، یکپارچه‌سازی ابزارهای دیجیتال می‌تواند به یک تجربه آموزشی غنی کمک کند. تحقیقات رحیمی و یداللهی (۲۰۱۹) نشان می‌دهد که استفاده استراتژیک از فناوری، مانند بردهای هوشمند تعاملی یا برنامه‌های آموزشی، می‌تواند تعامل دانش‌آموز را افزایش دهد و تجارب یادگیری شخصی‌شده را تسهیل کند. پذیرش فناوری در طراحی کلاس درس با روند جهانی گسترده‌تر به سمت دیجیتالی شدن در آموزش همسو است (رحیمی و یداللهی، ۲۰۱۹، ص ۷۸).

نور طبیعی منبعی است که در طراحی فضاهای آموزشی دلربا نباید از آن غافل شد. مطالعات به طور مداوم نشان داده اند که قرار گرفتن در معرض نور طبیعی به طور مثبت بر خلق و خو، تمرکز و رفاه کلی تأثیر می گذارد. در شرایط ایران، جایی که شرایط آب و هوایی ممکن است متفاوت باشد، حداکثر استفاده از نور طبیعی با در نظر گرفتن بهره وری انرژی بسیار مهم است. این را می توان از طریق طراحی معمارانه متفکرانه، از جمله پنجره های دارای موقعیت استراتژیک، نورگیرها، یا حتی استفاده از قفسه های سبک به دست آورد.

علاوه بر جنبه های فیزیکی کلاس، گنجاندن دکورهای زیبا و فرهنگی مرتبط بسیار مهم است. آثار هنری، پوستره های آموزشی و نمایش ها می توانند به ایجاد محیطی بصری محرک کمک کنند که توجه یادگیرندگان جوان را به خود جلب کند. مطالعه فرخی، رحیمی و محمدی (۲۰۲۱) بر اهمیت ترکیب عناصر بصری مرتبط فرهنگی در کلاس درس تأکید می کند. ادغام هنر، تاریخ و تصویرسازی ایرانی می تواند حس آشنایی و غرور را در بین دانش آموزان ایجاد کند و ارتباط آنها را با فضای یادگیری تقویت کند (فرخی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۹۴).

مفهوم طراحی الهام گرفته از طبیعت یا طراحی بیوفیلیک در محیط های آموزشی در سطح جهانی مورد توجه قرار گرفته است. ایجاد ارتباط با طبیعت در محیط کلاس با بهبود عملکرد شناختی و کاهش استرس در بین دانش آموزان مرتبط است (کلرت و همکاران، ۲۰۱۷). در بافت ایران، جایی که قدردانی از طبیعت عمیقاً در فرهنگ ریشه دارد، ترکیب عناصری مانند گیاهان داخلی، آثار هنری با مضمون طبیعت، یا حتی شبیه سازی مجازی محیط های بیرونی می تواند به فضای یادگیری جذاب تر و هماهنگ تر کمک کند.

با در نظر گرفتن نیازها و ترجیحات یادگیری متنوع دانش آموزان، مفهوم آموزش متمایز به طراحی فیزیکی کلاس درس گسترش می یابد. فراهم کردن مناطق مختلف در فضای یادگیری، که هر کدام به سبک های یادگیری متفاوتی می خورند، می تواند شمولیت و اثربخشی کلی محیط آموزشی را افزایش دهد (تاملینسون و ایمبو، ۲۰۱۰). این رویکرد با تغییر جهانی به سمت روش های یادگیری شخصی و دانش آموز محور همسو می شود (تاملینسون و ایمبو، ۲۰۱۰، ص ۲۱۵).

طراحی کلاس های درس نقش مهمی در ایجاد فضاهای یادگیری مسحور کننده ای دارد که تخیل یادگیرندگان جوان را جرقه می زند. از طرح فیزیکی و طرح رنگ گرفته تا ادغام فناوری و عناصر فرهنگی، هر جنبه ای به شکل دادن به تجربه آموزشی کلی کمک می کند. با در نظر گرفتن بافت فرهنگی منحصربه فرد ایران و ترکیب عناصر پر

طنین محلی، مربیان می‌توانند کلاس‌هایی ایجاد کنند که نه تنها الزامات عملکردی را برآورده می‌کند، بلکه خلاقیت و تعامل را در بین دانش‌آموزان الهام می‌بخشد.

نقش رنگ و دکور در یک محیط جادویی

در فضاهای آموزشی مسحورکننده ایران، نقش رنگ و دکور در ایجاد محیطی جادویی که تخیل فراگیران جوان را مجذوب خود می‌کند و به تجربه کلی آموزشی آنها کمک می‌کند، محوری است. این بخش به تأثیر روانشناختی رنگ‌ها، اهمیت دکور با طنین فرهنگی، و تأثیر متقابل بین این عناصر در ایجاد یک فضای جادویی در کلاس درس می‌پردازد.

رنگ‌ها تأثیر عمیقی بر احساسات، رفتارها و فرآیندهای شناختی افراد دارند. در بافت ایرانی، جایی که ظرایف فرهنگی نقش مهمی ایفا می‌کنند، انتخاب رنگ‌ها حتی مهم‌تر می‌شود. تحقیقات جاویدی و محمدی (۲۰۱۷) نشان می‌دهد که رنگ‌های گرم مانند قرمز و نارنجی با انرژی و اشتیاق مرتبط هستند، در حالی که رنگ‌های سردتر مانند آبی و سبز آرامش و تمرکز را تداعی می‌کنند. با ترکیب استراتژیک این رنگ‌ها در محیط کلاس، مربیان می‌توانند فضایی پویا ایجاد کنند که درگیری و خلاقیت دانش‌آموزان را تحریک می‌کند (جاویدی و محمدی، ۱۳۹۶، ص ۵۶).

علاوه بر این، اهمیت فرهنگی رنگ‌ها لایه دیگری به ملاحظات طراحی می‌افزاید. به عنوان مثال، رنگ آبی اغلب با معنویت و اعتماد در فرهنگ ایرانی همراه است (میرشکاریان و همکاران، ۲۰۲۰). ادغام چنین رنگ‌هایی با طنین فرهنگی در دکور می‌تواند حس هویت و ارتباط را برای دانش‌آموزان تقویت کند و محیط یادگیری را قابل ربط‌تر و جذاب‌تر کند (میرشکاریان و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۱۲۸).

استفاده از دکور فراتر از زیبایی‌شناسی صرف است. به عنوان یک ابزار قدرتمند برای ایجاد یک محیط یادگیری موضوعی و فراگیر عمل می‌کند. دکورهای مرتبط فرهنگی می‌تواند شامل نقوش سنتی ایرانی، آثار تاریخی یا حتی عناصر معاصر باشد که با تجربیات دانش‌آموزان طنین انداز می‌شود. مطالعه‌ای توسط رحیمی و فرخی (۲۰۱۸) بر تأثیر مثبت دکوراسیون غنی فرهنگی بر انگیزه و احساس تعلق دانش‌آموزان تأکید دارد. ترکیب عناصری از هنر، ادبیات و تاریخ فارسی می‌تواند به محیطی جادویی کمک کند که حس کنجکاوی و غرور را در میان یادگیرندگان جوان برانگیزد (رحیمی و فرخی، ۲۰۱۸، ص ۱۰۷).

علاوه بر ملاحظات فرهنگی، نقش دکور به ایجاد یک تجربه چندحسی در کلاس درس گسترش می‌یابد. عناصر لمسی، مانند مبلمان نرم یا سطوح بافت دار، می‌تواند

توانند غنای حسی کلی محیط را افزایش دهند. تحقیقات گیفورد (۲۰۰۷) اهمیت تحریک حسی در فضاهای یادگیری را برجسته می‌کند و تأکید می‌کند که یک محیط خوب طراحی شده می‌تواند تأثیر مثبتی بر عملکردهای شناختی و رفاه عاطفی داشته باشد. در بافت ایران، جایی که رویکرد کل نگر به آموزش ارزش دارد، ترکیب عناصر حسی در دکوراسیون با تأکید فرهنگی گسترده تر بر پرورش کل کودک همسو می‌شود (گیفورد، ۲۰۰۷، ص ۱۱۵).

علاوه بر این، چیدمان و انسجام موضوعی دکور به ایجاد یک محیط منسجم و جادویی کمک می‌کند. یک فضای سازمان‌یافته و محرک بصری می‌تواند حس ساختار و قابلیت پیش‌بینی را برای دانش‌آموزان فراهم کند و فضایی مساعد برای یادگیری ایجاد کند. مفهوم روانشناسی محیطی نشان می‌دهد که یک محیط به خوبی طراحی شده می‌تواند بر رفتار و احساسات افراد تأثیر بگذارد و بر تجربه کلی آنها در فضا تأثیر بگذارد (استوکولز، ۱۹۷۲). در بافت آموزشی ایران، جایی که احساس نظم و ساختار اغلب بها داده می‌شود، دکورهایی که مدبرانه چیده شده‌اند می‌توانند به یک محیط یادگیری مثبت و جادویی کمک کنند (استوکولز، ۱۹۷۲، ص ۴۳۱).

با توجه به تأثیر بالقوه رنگ و دکور بر رفاه و تعامل دانش‌آموزان، مربیان باید با دیدگاهی جامع و آگاهانه از نظر فرهنگی به طراحی فضاهای آموزشی بپردازند. با ترکیب رنگ‌های گرم و با طنین فرهنگی، استفاده از قدرت دکور برای روایت داستان، و ایجاد یک تجربه چندحسی، کلاس‌های درس را می‌توان به محیط‌های جادویی تبدیل کرد که عشق به یادگیری را در بین دانش‌آموزان جوان القا می‌کند.

ترکیب مناطق یادگیری تعاملی

مفهوم مناطق یادگیری تعاملی در محیط کلاس یک رویکرد تحول آفرین است که فراتر از روش‌های تدریس سنتی است. این بخش به اهمیت ادغام مناطق یادگیری تعاملی می‌پردازد و بررسی می‌کند که چگونه این مناطق می‌توانند طراحی و مورد استفاده قرار گیرند تا تجربه کلی یادگیری را برای دانش‌آموزان جوان در بافت ایرانی تقویت کنند.

مناطق یادگیری تعاملی فضاهای اختصاصی در کلاس هستند که برای تسهیل یادگیری عملی، مشارکتی و تجربی طراحی شده‌اند. این مناطق به‌عنوان محیط‌های پویایی عمل می‌کنند که در آن دانش‌آموزان می‌توانند فعالانه با مطالب آموزشی درگیر شوند، با همسالان خود تعامل داشته باشند و دانش نظری را در سناریوهای عملی به کار ببرند. تحقیقات قوی‌فکر و رُزی (۲۰۱۵) بر اهمیت یادگیری تعاملی در پرورش

مهارت‌های تفکر انتقادی و تعمیق درک مفهومی در بین دانش‌آموزان در بافت آموزشی ایران تأکید می‌کند (قویفکر و روزدی، ۲۰۱۵، ص ۱۱۳).

یکی از ملاحظات کلیدی در ادغام مناطق یادگیری تعاملی، استفاده از فناوری آموزشی مدرن است. که تأکید روزافزونی بر سواد دیجیتالی است، ادغام ابزارهایی مانند تخته‌های سفید تعاملی، تبلت‌ها و اپلیکیشن‌های آموزشی می‌تواند اثربخشی این مناطق را افزایش دهد. مطالعه نوری و شاهمرادی (۱۳۹۴) تأثیر مثبت یادگیری تعاملی تقویت‌شده فناوری را بر انگیزه و سطوح مشارکت دانش‌آموزان در کلاس‌های درس ایرانی برجسته می‌کند (نوری و شاهمرادی، ۲۰۱۵، ص ۲۲۴).

علاوه بر این، طراحی مناطق یادگیری تعاملی باید انعطاف پذیر باشد تا فعالیت‌های یادگیری مختلف را در خود جای دهد. ایجاد فضاهای تعیین شده برای بحث‌های گروهی، آزمایش‌های عملی و ارائه‌های چندرسانه‌ای می‌تواند سبک‌ها و ترجیحات یادگیری متنوع را برآورده کند. این با اصول آموزش متمایز مطابقت دارد و اذعان می‌کند که دانش‌آموزان در رویکردهای یادگیری خود دارای نقاط قوت و ترجیحات منحصر به فردی هستند (تاملینسون، ۲۰۱۴). با ارائه فرصت‌های تعاملی متنوع، مربیان می‌توانند به نیازهای متنوع دانش‌آموزان خود پاسخ دهند (تاملینسون، ۲۰۱۴، ص ۸۷).

ارتباط فرهنگی یک جنبه حیاتی در طراحی مناطق یادگیری تعاملی است. ادغام عناصر فرهنگ، تاریخ و بافت محلی ایرانی در این مناطق می‌تواند تجربه یادگیری معنادارتر و مرتبط‌تری ایجاد کند. برای مثال، نمایش‌های تعاملی با هنر سنتی ایرانی، مصنوعات تاریخی، یا شبیه‌سازی اکوسیستم‌های محلی می‌توانند سفر آموزشی را برای دانش‌آموزان غنی‌تر کنند (میرخانی و تفضلی، ۲۰۱۸). این رویکرد با فراخوان برای شیوه‌های آموزشی پاسخگوی فرهنگی در گفتمان آموزش جهانی همسو است (میرخانی و تفضلی، ۲۰۱۸، ص ۵۶).

نقش معلم در مناطق یادگیری تعاملی محوری است. مربیان باید از نقش‌های سنتی به تبدیل شدن به تسهیلگر و راهنما تبدیل شوند و فعالانه در اکتشاف دانش دانش‌آموزان شرکت کنند. این تغییر برای ایجاد یک محیط یادگیری دانش‌آموز محور که در آن پرس و جو، همکاری و حل مسئله در مرکز قرار می‌گیرد، ضروری است. تحقیق رحیمی، سراب و سلیمانی (۱۳۹۶) بر اهمیت برنامه‌های تربیت معلم برای تجهیز مربیان به مهارت‌ها و طرز فکر مورد نیاز برای اجرای موفقیت‌آمیز رویکردهای یادگیری تعاملی تأکید دارد (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۳۲).

استراتژی‌های ارزیابی در مناطق یادگیری تعاملی نیز باید با ماهیت پویای این محیط‌ها هماهنگ باشد. روش‌های ارزیابی سنتی ممکن است به طور کامل وسعت مهارت‌ها و شایستگی‌های توسعه‌یافته در چنین شرایطی را نشان ندهند. ارزیابی‌های تکوینی، ارزشیابی همتایان، و ارزیابی‌های مبتنی بر پروژه برای اندازه‌گیری موثر پیشرفت دانش آموزان در مناطق یادگیری تعاملی مورد حمایت قرار می‌گیرند. این رویکرد با تغییر فعلی در پارادایم‌های آموزشی به سمت ارزیابی مبتنی بر شایستگی‌طنین اندازه می‌شود.

گنجاندن مناطق یادگیری تعاملی در کلاس‌های درس گامی پیشرو در جهت ایجاد فضاهای یادگیری مسحورکننده و مؤثر است. با پذیرش فناوری مدرن، اصول طراحی انعطاف‌پذیر و رویکرد فرهنگی مرتبط، مربیان می‌توانند فرصت‌های پویا و جذابی را برای یادگیری فعال در اختیار دانش آموزان قرار دهند. این تغییر پارادایم نه تنها با چشم‌انداز آموزشی در حال تحول همسو می‌شود، بلکه به گفتمان جهانی گسترده‌تر در مورد شیوه‌های آموزشی نوآورانه و مؤثر کمک می‌کند.

شخصی‌سازی فضاها برای هر یادگیرنده جوان

در سال‌های اخیر، محققان و دست‌اندرکاران آموزشی به طور فزاینده‌ای اهمیت ایجاد فضاهای یادگیری مسحورکننده را برای مشارکت مؤثر فراگیران جوان در فرآیند آموزشی درک کرده‌اند. این بخش به کاوش در فضاهای شخصی‌سازی برای هر یادگیرنده جوان در بافت ایران می‌پردازد. با درک تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و آموزشی ایران، مربیان می‌توانند محیط‌های یادگیری را ایجاد کنند که خلاقیت، انگیزه و عشق به یادگیری را پرورش دهد. هدف این بخش ارائه بینشی در مورد اصول و شیوه‌های شخصی‌سازی فضاهای یادگیری با تکیه بر دیدگاه‌های ایرانی و بین‌المللی است.

برای شروع، شناخت بافت فرهنگی منحصربه‌فرد ایران که نقش مهمی در شکل‌دهی فضاهای یادگیری دارد، ضروری است. فرهنگ ایرانی که عمیقاً ریشه در تاریخ و سنت دارد، بر احترام به آموزش و احساس قوی جامعه تأکید دارد. بر اساس نظریه اجتماعی فرهنگی ویگوتسکی (۱۹۷۸)، زمینه فرهنگی به طور قابل توجهی بر رشد شناختی تأثیر می‌گذارد. این بستر فرهنگی به طراحی و فضای فضاهای آموزشی نیز گسترش می‌یابد. کلاس‌های درس صرفاً تنظیمات فیزیکی نیستند، بلکه جهان‌های خرد فرهنگی هستند که ارزش‌ها و انتظارات اجتماعی را منعکس می‌کنند (ویگوتسکی، ۱۹۷۸، ص ۴۵).

علاوه بر این، فلسفه آموزشی ایرانی برای تجارب یادگیری شخصی ارزش زیادی قائل است. آثار متفکران برجسته تربیتی ایران مانند فرزانه فرحزاد (۲۰۰۳) اهمیت متناسب سازی آموزش با نیازهای فردی را برجسته می کند. در ایجاد فضاهای یادگیری مسحورکننده، مربیان باید این جنبه‌های فرهنگی را در نظر بگیرند تا اطمینان حاصل کنند که محیط با ارزش‌ها و انتظارات فراگیران و خانواده‌های آنها همسو است (فرحزاد، ۱۳۸۲، ص ۷۸).

یکی از جنبه‌های حیاتی شخصی‌سازی فضاهای یادگیری، اتخاذ ترتیبات کلاسی انعطاف‌پذیر است که نیازها و ترجیحات مختلف یادگیرندگان جوان را برآورده می کند. تحقیقات اندرسون و مارتین (۲۰۱۶) بر تأثیر مثبت نشستن انعطاف‌پذیر بر تعامل دانش‌آموزان و نتایج یادگیری تأکید می کند. در بافت ایرانی، جایی که کلاس‌های درس اغلب شامل دانش‌آموزانی با سبک‌های یادگیری و ترجیحات متفاوت است، ترکیب صندلی‌های انعطاف‌پذیر می تواند تجربه کلی یادگیری را افزایش دهد.

علاوه بر این، مربیان ایرانی می توانند از رویکرد رگیو امیلیا الهام بگیرند، یک فلسفه آموزشی که از ایتالیا سرچشمه می گیرد و بر اهمیت محیط فیزیکی در یادگیری کودکان تأکید دارد (ادواردز، گاندینی و فورمن، ۱۹۹۸). با گنجانیدن عناصر این رویکرد در طراحی فضاهای آموزشی، مربیان می توانند محیط‌هایی را ایجاد کنند که کنجکاوی و کاوش را تحریک می کند و با فلسفه یادگیری شخصی همسو می شود (ادواردز و همکاران، ۱۹۹۸، ص ۶۴).

در سال‌های اخیر، نقش یکپارچگی حسی در یادگیری در سراسر جهان شناخته شده است. فضاهای یادگیری حسی پسند، که نیازهای حسی یادگیرندگان را در نظر می گیرند، می توانند به طور قابل توجهی بر رفاه شناختی و عاطفی آنها تأثیر بگذارند (میلر، ۲۰۰۶). در بافت ایران، کار کاردرمانگرانی مانند شیوا فتاحی (۲۰۱۹) اهمیت یکپارچگی حسی در آموزش را روشن کرده است. فتاحی بر نیاز به ایجاد محیط‌های یادگیری که اولویت‌های حسی متنوعی را در خود جای دهد، تأکید می کند و تشخیص می‌دهد که هر یادگیرنده جوان ممکن است الگوهای پردازش حسی منحصر به فردی داشته باشد (فتاحی، ۲۰۱۹، ص ۳۴).

علاوه بر این، مربیان ایرانی می توانند از ترکیب عناصر شیوه‌های ذهن آگاهی در فضاهای یادگیری بهره مند شوند. تحقیق هلزل و همکاران. (۲۰۱۱) پیشنهاد می کند که مداخلات ذهن آگاهی به طور مثبت بر توجه، مهارت‌های شناختی و تنظیم هیجانی تأثیر می گذارد. ادغام فعالیت‌های ذهن آگاهی در کلاس درس ایرانی می تواند

به ایجاد فضایی مسحورکننده کمک کند که نه تنها یادگیری آکادمیک بلکه بهزیستی اجتماعی و عاطفی را نیز ارتقا می‌دهد.

ادغام فن آوری های یادگیری شخصی به جنبه برجسته آموزش مدرن در سطح جهانی تبدیل شده است. ، جایی که پیشرفت‌های فناوری به سرعت بر جنبه‌های مختلف جامعه تأثیر گذاشته است، مربیان باید راه‌هایی را برای استفاده از فناوری در شخصی‌سازی فضاهای یادگیری جستجو کنند. آثار محققان ایرانی مانند محمدمین روشندل (۲۰۱۸) پتانسیل فناوری های یادگیری تطبیقی را در تأمین نیازهای یادگیری فردی برجسته می‌کند (روشندل، ۲۰۱۸، ص ۹۲).

علاوه بر این، با توجه به شکاف دیجیتالی که ممکن است در مناطق مختلف ایران وجود داشته باشد، مربیان باید به فکر دسترسی عادلانه به فناوری باشند. تحقیقات سلوین (۲۰۱۰) بر اهمیت پرداختن به مسائل مربوط به دسترسی و استفاده از فناوری، به ویژه در زمینه های مختلف اجتماعی-اقتصادی تأکید می‌کند. با ترکیب هوشمندانه فناوری و اطمینان از دسترسی به آن، مربیان ایرانی می‌توانند فضاهای یادگیری فراگیر و مسحورکننده ای را ایجاد کنند که نیازهای متنوع زبان آموزان جوان را برآورده کند.

یکی دیگر از ابعاد مهم شخصی‌سازی فضاهای یادگیری ، تقویت روابط قوی معلم و دانش‌آموز است. تحقیق پیشقدم و همکاران. (۲۰۲۱) بر تأثیر روابط معلم و دانش‌آموز بر انگیزه و مشارکت دانش‌آموز در بافت ایرانی تأکید می‌کند (پیشقدم و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۲۰۹). ایجاد روابط مثبت مستلزم درک پیشینه، علایق و ترجیحات یادگیری هر دانش‌آموز است که به ایجاد یک محیط یادگیری شخصی و مسحورکننده کمک می‌کند.

علاوه بر این، با تکیه بر مفهوم آموزش پاسخگوی فرهنگی (گی، ۲۰۰۰)، مربیان ایرانی می‌توانند رویکردهای آموزشی خود را برای به رسمیت شناختن و تجلیل از تنوع فرهنگی موجود در کلاس های درس خود تنظیم کنند. این رویکرد با اصول شخصی‌سازی همسو می‌شود و تشخیص می‌دهد که دانش‌آموزان با پیشینه‌های فرهنگی مختلف ممکن است به راهبردهای آموزشی مختلف واکنش متفاوتی نشان دهند (گی، ۲۰۰۰، ص ۲۹).

در چشم انداز آموزشی ایران، نقش والدین بسیار مورد توجه است و مشارکت آنها در فرآیند یادگیری به صورت جدایی ناپذیر تلقی می‌شود. پژوهش نجفی و زارعی (۱۳۹۶) تأثیر مثبت مشارکت والدین را بر پیشرفت تحصیلی و بهزیستی کلی دانش‌آموزان برجسته می‌کند (نجفی و زارعی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۴). برای ایجاد فضاهای یادگیری

مسحورکننده، مربیان باید به طور فعال والدین را در سفر آموزشی فرزندان خود مشارکت دهند و به دنبال نظرات و همکاری آنها باشند.

علاوه بر این، مربیان ایرانی می توانند از مفهوم "معلم سوم" الهام بگیرند، همانطور که معماران لوریس مالاگوزی و کارلینا رینالدی از آن حمایت می کنند (موس و پتری، ۲۰۰۲). «معلم سوم» بر نقش محیط فیزیکی و جامعه گسترده تر، از جمله والدین، در شکل دادن به تجربه یادگیری تأکید می کند. در بافت ایران، مشارکت دادن والدین در طراحی و نگهداری فضاهای آموزشی می تواند حس اجتماع و مسئولیت مشترک در قبال آموزش کودکان را تقویت کند.

شخصی سازی فضاهای یادگیری برای یادگیرندگان جوان مستلزم درک جامعی از پویایی های فرهنگی، اجتماعی و آموزشی است. با پذیرش ترتیبات کلاسی انعطاف پذیر، در نظر گرفتن یکپارچگی حسی، استفاده از فناوری های یادگیری شخصی سازی شده، تقویت روابط مثبت معلم و دانش آموز، و ترویج مشارکت والدین، مربیان می توانند فضاهای یادگیری مسحورکننده ای ایجاد کنند که نیازهای منحصر به فرد هر یادگیرنده را برآورده کند. همانطور که چشم انداز آموزشی به تکامل خود ادامه می دهد، تحقیقات و همکاری مداوم بین محققان ایرانی و بین المللی به ارتقای شیوه های یادگیری شخصی و فراتر از آن کمک خواهد کرد.

پرورش حس شگفتی از طریق راه اندازی کلاس درس

در سال های اخیر، چشم انداز آموزشی شاهد تغییر پارادایم به سمت ایجاد فضاهای آموزشی فریبنده و مسحورکننده بوده است. این دگرگونی با درک اینکه محیط فیزیکی نقش مهمی در شکل دادن به تجربیات یادگیرندگان جوان و پرورش حس شگفتی ایفا می کند، هدایت می شود. این بخش به اهمیت پرورش حس شگفتی از طریق سازماندهی متفکرانه کلاس درس، بررسی تأثیر بر مشارکت، انگیزه و نتایج کلی یادگیری می پردازد.

طراحی کلاس درس جنبه ای چندوجهی از آموزش است که فراتر از زیبایی شناسی صرف است. تحقیقات اخیر بر نقش فضاهای فیزیکی در تأثیرگذاری بر حالات شناختی و عاطفی دانش آموزان تأکید می کند. یک کلاس درس که به خوبی طراحی شده باشد، کنجکاو را تحریک می کند و حس شگفتی را در بین دانش آموزان پرورش می دهد و محیطی مساعد برای یادگیری موثر ایجاد می کند (بارت و همکاران، ۲۰۱۷، ص ۴۵).